

ایران

در سال 2011 مقامات ایرانی اجازه ندادند که منتقدان حکومت تظاهرات مسالمت آمیز برگزار کنند. در فوریه، مارچ، آوریل و سپتامبر نیروهای امنیتی چندین تظاهرات گسترده را در شهرهای بزرگ در هم شکستند. بنابر گزارش‌ها، در اواسط آوریل نیروهای امنیتی ده‌ها تظاهرکننده را در ایالت اکترآ عرب نشین خوزستان ایران به آتش بسته و کشتند. در این سال، مجازات اعدام افزایش چشمگیری داشت و دولت به هدف گیری فعالان جامعه مدنی، به ویژه وکلا، فعالان حقوق بشر، و ژورنالیست‌ها ادامه داد. در جولای 2011، دولت ایران اعلام کرد که با گزارشگر ویژه سازمان ملل که با توجه به بدتر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران در ماه مارچ 2011 به این مقام منصوب شد، همکاری نخواهد کرد و اجازه بازدید از ایران را به وی نخواهد داد.

آزادی اجتماعات و تشکل‌ها

در فوریه و مارچ هزاران تظاهرکننده برای ابراز حمایت از تظاهرات طرفداران دموکراسی در کشورهای عرب همسایه و اعتراض به بازداشت رهبران مخالف دولت به خیابان‌های تهران، پایتخت کشور، و چندین شهر بزرگ دیگر آمدند. مقامات با خشونت به این تظاهرات پاسخ دادند که در نتیجه آن سه تن کشته و صدها تن دیگر بازداشت شدند.

نیروهای امنیتی ده‌ها فعال سیاسی مخالف دولت را در پی درخواست میرحسین موسوی و مهدی کروبی، نامزدهای سابق ریاست جمهوری و رهبران مخالفان، برای برگزاری تظاهرات گسترده در 8 فوریه دستگیر کردند. چند روز بعد، آنان موسوی و کروبی را تحت بازداشت خانگی قرار دادند؛ بازداشتی که تا هنگام نگارش این یادداشت همچنان ادامه دارد.

در آوریل مجلس ایران چندین ماده از لایحه‌ای را تصویب کرد که به شدت استقلال گروه‌های جامعه مدنی را محدود ساخت و کمیته عالی نظارت که تحت ریاست مقامات وزارت و اعضای نیروهای امنیتی قرار دارد را جهت نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی ایجاد کرد. مقامات قبل از این استقلال چندین مجمع حرفه‌ای از جمله کانون روزنامه‌نگاران و وکلا که تحت پوشش این لایحه قرار نمی‌گرفت را شدیداً محدود و یا ممنوع کرده بودند. درحال حاضر ده‌ها نفر از فعالان گروه‌های سیاسی و دانشجویی ممنوع شده دوران حبس خود را در زندان‌های ایران سپری می‌کنند.

مجازات اعدام

در سال 2010، مقامات ایرانی از اعدام 252 تن خبر دادند، اما گروه‌های مدافع حقوق بشر معتقدند که دولت تعداد بیشتری را بدون اذعان رسمی اعدام کرده‌اند. اکثریت افراد اعدام شده به جرم مواد مخدر در دادگاه‌های انقلاب در پی محاکمات ناقص اعدام شدند. تعداد اعدام‌ها بعد از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در اواخر دسامبر 2010 که مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش‌نویس آن را تهیه و ولی فقیه، آیت‌الله خامنه‌ای، آن را تصویب کرد، افزایش پیدا کرده است. بنا بر گزارش‌های گروه‌های مدافع حقوق بشر، از آن زمان تاکنون ایران بیشتر از 400 زندانی، از آن جمله 67 تن را که صرفاً در ماه ژانویه به جرم مواد مخدر دستگیر شده بودند، اعدام کرده است. مقامات از اذعان رسمی بیشتر از نیمی از این اعدام‌ها امتناع ورزیده‌اند.

جرائمی مانند قتل، تجاوز به عنف، قاچاق و داشتن مواد مخدر، سرقت مسلحانه، جاسوسی، لواط، زنا، و ارتداد مجازات اعدام دارند. در 3 سپتامبر خبرگزاری نیمه رسمی دولتی دانشجویان ایران از اعدام شش نفر در شهر جنوب غربی اهواز اطلاع داد. سه نفر از آنان تحت قوانین ضد لواط در ایران محکوم به اعدام شده بودند.

ایران از لحاظ اعدام مجرمان نوجوان، افرادی که قبل از 18 سالگی مرتکب جرم شده‌اند، در صدر کشورهای جهان قرار دارد. دولت ایران حداقل سه کودک را در سال 2011، و یک تن از آنان را در ملاء عام، اعدام کرد. قوانین ایران مجازات اعدام را برای افرادی که به سن بلوغ برسند مجاز می‌داند، این سن از لحاظ قانونی برای دختران نه سال و برای پسران پانزده سال تعیین شده است. در حال حاضر، بیش از صد نوجوان مجرم در انتظار اعدام به سر می‌برند.

از ژانویه تاکنون، مقامات حداقل 30 تن را به اتهام محاربه («که معنی تحت‌اللفظی آن جنگ با خداوند می‌باشد») ظاهراً به دلیل وابستگی به گروه‌های مسلح و تروریستی اعدام کرده است. در ساعات اولیه صبح 24 ژانویه، مقامات در زندان اوین تهران جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی را به دلیل ارتباط با گروه غیرقانونی سازمان مجاهدین خلق ایران (مجاهدین خلق) که یک گروه اپوزیسیون مخالف رژیم است، به دار آویختند. در تاریخ 28 دسامبر 2010، مقامات علی صارمی، که به هواداری از آرمان‌های ایدئولوژیک مجاهدین خلق اعتراف کرده بود را نیز به دار آویختند.

تا اکتبر 2011، حداقل 16 فعال کرد که بسیاری از آنان به جرایم امنیت ملی و محاربه متهم می‌باشند در انتظار اعدام به سر می‌برند.

آزادی بیان

مقامات به تعطیل کردن روزنامه‌ها و هدف گرفتن روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان ادامه می‌دهند. در 5 سپتامبر، هیئت مطبوعاتی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، هفته‌نامه شهروند و روزنامه روزگار را به جرم توهین به مقامات و «تبلیغ علیه نظام»، به علاوه جرایم دیگر، تعطیل

کرد. در 5 و 6 سپتامبر، نیروهای وزارت اطلاعات به دفاتر مجذوبان نور، وبسایتی مربوط به گروه صوفی‌های نعمت‌اللهی گنابادی، یورش بردند و دست کم یازده تن از اعضای هیئت تحریریه آن را به اتهام‌های نامعلومی دستگیر کردند.

براساس گزارش‌های سازمان گزارشگران بدون مرز، تا اکتبر 2011، 49 ژورنالیست و بلاگنویس در زندان‌های ایران به سر می‌برد. بنا بر گزارش گروه‌های مدافع حقوق بشر، قوه قضائیه وحید اصغری، و بلاگنویس 24 ساله، را به اتهام مشارکت در «فعالیت وبسایت‌های غیر اخلاقی» به مرگ محکوم کرد.

وزارت علوم، با حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، اخیراً با وضع مقرراتی ارائه دروس علوم اجتماعی در دانشگاه‌های مختلف را به عنوان بخشی از برنامه اسلامی سازی محدود ساخت. مقامات همچنین فرمان‌هایی را جهت محدود کردن سهمیه زنان برای حضور در بعضی رشته‌ها و دوره‌های آموزشی در دانشگاه‌های خاص صادر کردند. دانشگاه‌های دولتی از ثبت نام دانش‌جویان فعال سیاسی در مقطع تحصیلات تکمیلی علیرغم اخذ نمرات بالا در آزمون‌های ورودی که حضور آنان را در آن رشته‌ها تضمین می‌کند، ممانعت کردند.

دولت به صورت سیستماتیک وبسایت‌هایی را که حاوی اخبار و تحلیل‌های سیاسی اند مسدود، سرعت اینترنت را کاهش و پخش برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی را مختل کرده است.

مدافعان حقوق بشر و وکلا

از جون 2009 تاکنون، مقامات ده‌ها مدافع حقوق بشر و وکلا را زندانی، محاکمه و مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند. در آگوست 2011، شریین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، گفت که از جون تاکنون، دست کم 42 وکیل مورد اذیت و آزار دولت قرار گرفته‌اند. در ژانویه، یکی از شعب دادگاه‌های انقلاب نسرین ستوده، یکی از مدافعین برجسته حقوق بشر، را به جرم «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به 11 سال زندان محکوم و از شغل وکالت و حق ترک کشور برای 20 سال محروم کرد. در سپتامبر قوه قضائیه حکم زندان ستوده را به 6 سال زندان کاهش داد.

در فوریه، دادگاه انقلاب خلیل بهرامیان، یکی از وکلای حقوق بشر را به 18 ماه زندان و 10 سال محرومیت از شغل وکالت محکوم کرد. در جولای، قوه قضائیه محمد علی دادخواه، یکی از وکلای برجسته که همراه با خانم عبادی از جمله بنیانگذاران مرکز مدافعان حقوق بشر است، را به نه سال زندان و محرومیت از شغل وکالت محکوم کرد. در 10 سپتامبر، نیروهای امنیتی عبدالفتاح سلطانی، یکی دیگر از بنیانگذاران مرکز مدافعان حقوق بشر، را دستگیر کردند. در 27 سپتامبر، یکی از شعب دادگاه انقلاب تهران نرگس محمدی، یکی از اعضای هیئت اجراییه مرکز مدافعان حقوق بشر، را به جرم اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در یک سازمان غیرقانونی به 11 سال زندان محکوم کرد.

در 27 سپتامبر، نیروهای امنیتی همچنین به خانه مسعود شفیعی، وکیلی که از سه کوهنورد آمریکایی که از 31 جولای 2009 تحت بازداشت دولت ایران قرار داشتند نمایندگی کرد، یورش بردند و برای چندین ساعت او را مورد بازجویی قرار دادند. مقامات یکی از کوهنوردان، سارا شورد، را در تاریخ 14 سپتامبر 2010 و دو تن دیگر، شین بائر و جاش قتال، را در تاریخ 21 سپتامبر آزاد کردند.

شمار نهادهای مستقل حقوق بشر فعال در کشور، در صورت وجود، بسیار محدود است.

حقوق زنان

زنان ایرانی در مسایل مربوط به روابط شخصی مانند ازدواج، طلاق، ارث، و حضانت از کودکان مورد تبعیض قرار می‌گیرد. زنان صرف نظر از سن خود مجبورند برای ازدواج تائید سرپرست مرد خود را بگیرند. زن ایرانی نمی‌تواند تابعیت خود را به همسر خارجی و فرزندان زاده شده از او انتقال دهد. (نوت: تصور می‌کنم که در این اواخر مجلس قانونی را تصویب کرد که به زنان ایرانی اجازه می‌دهد تا شهروندی خود را به فرزند متولد شده از همسر خارجی خود منتقل کنند.) برای یک زن بسیار محتمل است که نتواند بدون اجازه رسمی شوهرش گذرنامه بگیرد و یا از کشور خارج شود.

حقوق اقلیت ها

دولت حق آزادی مذهب را برای پیروان آئین بهایی، که بزرگترین گروه اقلیت مذهبی غیر اسلامی در ایران است، انکار می‌کند. در 21 می، نیروهای امنیتی دست کم 30 بهایی را در یک سری حملات هماهنگ شده در چندین شهر بزرگ دستگیر کردند. تاهنگام نگارش یادداشت حاضر، مقامات هیچ اتهامی را به آنان تفهیم نکرده اند. همه بازداشت شدگان وابسته به موسسه تحصیلات عالی بهائیان، یک دانشگاه مکاتباتی که در سال 1987 به دنبال سیاست محروم سازی بهائیان از آموزش عالی تاسیس شد، بودند. بنا بر گزارش جامعه بین المللی بهائیان، تا اکتبر، 100 بهائی در زندان های ایران در بازداشت بسر می بردند.

سیاست های دولت در مقابل اقلیت های مذهبی اسلامی، از جمله سنی ها که حدود 10 درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند، در بخش کارایی و فعالیت های سیاسی تبعیض آمیز است. دولت سنی ها را از احداث مساجد در شهرهای بزرگ ممنوع کرده است. بنابر گزارش ها، در سال های اخیر مقامات مانع برگزاری نماز عید جداگانه سنی ها در تهران و شهرهای دیگر شده اند. در 5 سپتامبر، شبه نظامیان بسیج در استان فارس به اعضای بزرگترین شاخه صوفی های ایران، نعمت الهی گنابادی، حمله کردند و یک تن از آنان را کشتند. دولت سپس کارزاری را برای دستگیری اعضای آنان در چندین شهر به راه انداخت.

مقامات همچنین افراد گرویده به مسیحیت را هدف قرار دادند. در سپتامبر دادگاه انقلاب شش عضو گروه تبشیری کلیسای ایران را به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، ظاهراً به دلیل تبلیغ مسیحیت، به یک سال زندان محکوم کرد. در 25 سپتامبر، مقامات یوسف ندرخانی، کشیشی که رهبری یک جماعت 400 نفری از مسیحیان تبشیری در شمال ایران را به عهده دارد، به دادگاه فراخواند و اعلام کرد که وی سه فرصت برای انکار دیانت جدید و گرویدن مجدد به اسلام در دست دارد. تا هنگام نگارش این یادداشت ندرخانی از انکار دیانت خود امتناع ورزیده و با حکم اعدام مواجه است. در سال 2010، قوه قضائیه ندرخانی را به جرم «ارتداد از اسلام» به اعدام محکوم کرد، در حالی که چنین جرمی در قانون جزای ایران وجود ندارد.

دولت همچنین بر فعالیت های فرهنگی و سیاسی آذری ها، کردها، عرب ها، و بلوچ ها، و حتی سازمان هایی که حول محور مسایل اجتماعی اقلیت های قومی فعالیت می کنند، محدودیت اعمال می کند. بنا بر گزارش ها، در آوریل نیروهای امنیتی ده ها تن تظاهرکننده ای عمدتاً عرب را در استان جنوب غربی خوزستان کشتند. مقامات ده ها تن را دستگیر و 9 تن را ظاهراً به دلیل ارتباط با تظاهرات 9 می اعدام کردند. به علاوه، نیروهای امنیتی صدها تن آذری را در پی تظاهرات گسترده مردم آن ناحیه در آگوست و سپتامبر در اعتراض به اذیت و آزار مداوم فعالان جامعه مدنی آذری و مشکلات زیست محیطی آذربایجان دستگیر کردند.

بازیگران کلیدی بین المللی

در مارچ، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نماینده ویژه ای را در امور ایران تعیین کرد. در جولای 2011، دولت ایران اعلام کرد که آن کشور با نماینده ویژه همکاری نخواهد کرد و مجوز بازدید را نیز صادر نخواهد کرد. در 23 سپتامبر، نماینده ویژه اولین گزارش خود را که در آن «نقض سیستماتیک ... حقوق بشر» در ایران را برجسته ساخته بود ارائه داد و درخواست قبلی خود مبنی بر صدور مجوز بازدید از آن کشور را تکرار کرد.

علیرغم تقاضاهای مکرر نماینده ویژه برای بازدید از آن کشور، ایران تاکنون از صدور مجوز بازدید به او امتناع ورزیده است. از سال 2005 تاکنون، هیچ نماینده ویژه سازمان ملل از ایران بازدید نکرده است.

در 15 سپتامبر، دبیر کل سازمان ملل متحد با ارائه گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل افزود که او «از افزایش تعداد اعدام ها، قطع اعضای بدن، دستگیری و بازداشت های خود سرانه، محاکمه های ناعادلانه، شکنجه و بدرفتاری ها با زندانیان عمیقاً نگران است» و از «سرکوب فعالان حقوق بشر، وکلا، ژورنالیست ها، و فعالان سیاسی مخالف» انتقاد کرد. در 3 نوامبر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل نتیجه گیری مشاهدات خود را پس از بررسی گزارش اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط ایران ارائه داد. کمیته در نتیجه گیری خود اعلام داشت «که در

نظام حقوقی ایران وضعیت حقوقی معاهدات بین المللی تبیین نشده است و این نقیصه مانع اجرای کامل مفاد حقوقی مندرج در میثاق مدنی و سیاسی در ایران می شود.»

در 14 آوریل، اتحادیه اروپا دارایی های 32 تن از مقامات ایرانی را مسدود و روایت سفر آنان به اروپا را ممنوع کرد که در میان آنان اسامی افرادی از قوه قضائیه ایران که مرتکب نقض حقوق بشر شده بودند نیز دیده می شد. در جون، ایالات متحده امریکا اسامی افراد جدیدی را که عضو سپاه پاسداران، شبه نظامیان بسیج، و نیروهای امنیتی ایران هستند و مرتکب نقض حقوق بشر شده اند را به فهرست افراد قابل تحریم افزود. در اواخر همان ماه، ایالات متحده امریکا شرکت هایی که به سپاه پاسداران و ارتش ارتباط داشتند را مورد تحریم قرار داد.

حملات مرزی ایران و ترکیه علیه گروه های شورشی کرد در کردستان عراق، که در اواسط جون آغاز شد منجر به کشته شدن 10 تن و زخمی شدن ده ها تن دیگر و آوارگی صدها غیرنظامی شده است.